

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای هیأت نظارت بر انتخابات شورای نگهبان - 14 / بهمن / 1374

بسم الله الرحمن الرحيم

آقایان محترم و برادران عزیز؛ خیلی خوش آمدید و زحمت کشیدید. همان طور که فرمودند، روز ماه رمضان و هوای سرد و راههای دور، همّت بلندی را می‌طلبد که آقایان در این جا اجتماع بفرمایند. بنده هم متشکرم از این که به این جا تشریف آوردید و این بار سنگین امانت الهی و انقلابی را بر دوش خودتان پذیرفتید و ان شاء الله به سلامت حمل خواهید کرد.

آقایان محترم! مسأله انتخابات، مسأله بسیار مهم و اساسی و تعیین کننده ای است. اهمیت انتخابات از جهات گوناگونی است. یکی از آنها این است که نظام ما نظامی است متکی به ایمانها و عواطف و علائق مردم. اساساً سرّ شکست ناپذیری این نظام این است که به مردم متکی است. این چیز مهمی است. اتکالی به مردم هم آسان به دست نمی‌آید و همه جا حاصل نمی‌شود. اگر یک سرّ الهی در میان نباشد، توجّه نفوس و دل‌های مردم هم ممکن نیست. شما ملاحظه بفرمایید، خدای متعال به پیغمبر با آن عظمت می‌فرماید: «هو الذي ايدك بنصره و بالمؤمنين»؛ یعنی مؤمنین را در کنار نصرت الهی می‌آورد. هیچ بُعدی هم ندارد که آدم بگوید که این «بالمؤمنین»، تفسیر جزئی از مفهوم «بنصره» هم هست که اصلاً نصر الهی به وسیله مؤمنین تحقق می‌پذیرد. البته در مواردی هم نصرتهای خارج از مقولات عادی در زمان آن بزرگوار بوده است - مثل ملائکه مسومین و غیرذلک - لیکن عمده اش مؤمنین اند. بعد هم می‌فرماید: «لو انفق ما في الأرض جميعاً ما الفت بين قلوبهم و لكن الله الف بينهم». یعنی ای نبی گرامی ما! این «بالمؤمنین» بی‌هم که ما می‌گوییم، خیال نکن که خودت توانستی آنها را جذب کنی؛ نه - این کار من و ما و کار عوامل مادی و بشری نیست - این سرّ الهی و سرّ معنوی است.

حال آن نکته باریکتر ز مو این جاست که همین سرّ الهی و معنوی هم قابل تعریف است. چیزی نیست که بگوییم عقل شما مردم نمی‌رسد و سه، چهار نفری هستند که این چیزها را می‌فهمند؛ نخیر. این امر واضحی است. این سرّ الهی عبارت است از ایمان. وقتی ایمانها در دل‌های مردم می‌جوشد و به مرحله عمل سرازیر می‌شود، نتیجه این است که هر پدیده ای که متکی به ایمان الهی است، تقویت پیدا می‌کند. این جا چون نظام، نظام الهی و نظام قرآنی است و مردم هم معتقد و متکی به دین و به هرآنچه که مربوط به دین است، هستند، قهری است که چنین نظامی را به راحتی می‌شود با این مردم ادامه داد و این مردم بدون این که از کسی طلبکاری کنند؛ بدون این که متّی بر سر کسی بگذارند و بدون این که برای این همه اخلاص خود از کسی جز خدا بهایی بطلبند، وارد میدان می‌شوند. نتیجه این است که بزرگترین طراحان سیاسی و قویترین شبکه‌های جاسوسی دنیا بنا می‌کنند علیه این کشور و این نظام کار کردن؛ اما کارشان بعد از هفده سال به نتیجه نمی‌رسد و ان شاء الله دهها هفده سال هم خواهد گذشت، ولی باز به نتیجه نخواهد رسید. پس ببینید نقش حضور مردم چقدر زیاد است. مجلس، مظهر آراء مردم در اداره این نظام است. حال شما ببینید انتخابات مجلس چقدر مهم است! تقدیر امر مجلس و انتخابات باید با چنین همه جانبه نگری ای انجام گیرد. صرف این نیست که حالا ما یک کشور دارای دموکراسی هستیم و مردم باید رأی بدهند و حضور پیدا کنند؛ نه. این اساس موجودیت نظام است. حضور مردم این قدر تأثیر دارد. بنابراین همان طور که امام (رضوان الله علیه) فرمودند مجلس در رأس امور است، این انتخابات هم انتخاباتی است برای چنین مجلسی؛ لذا هرکس به هرنحوی در این انتخابات دخالت دارد، باید به آن اهمیت بدهد.

هر کسی هم وظیفه ای دارد. مردم وظیفه دارند در انتخابات شرکت کنند و نامزدهای صحیح را پیدا و آنها را انتخاب نمایند. مردم وظیفه دارند به ملاکهای دینی و شرعی و انقلابی نگاه کنند؛ به روابط قوم و خویشی و ایل و طایفه ای و این طور چیزها نگاه نکنند. ببینند واقعاً چه کسی با معیارهای الهی و انقلابی، مناسبتر و به آن نزدیکتر است، او را برگزینند و با شور و شوق به عنوان یک وظیفه در این کار دخالت کنند. کسانی از مردم وظیفه دارند که دیگران را تشویق و تحریض کنند. کسانی که زبان گویایی دارند، قلم توانایی دارند و آبرویی پیش مردم دارند - که این آبرو هم

جزو ذخایر الهی است و خدای متعال به هرکس داده است، باید آن را در راه او مصرف کند و به کار ببرد - مردم را توجیه و تشویق کنند و آدم‌های خوب را به آنها معرفی نمایند. در معرفی نامزدهای نمایندگی باید ملاحظه کنند که هیچ رابطه‌ای را غیر از رابطه دینی و الهی و وظیفه شرعی دخالت ندهند. فلان کس با ما رفیق است، فلان کس با ما دوست است، فلان کس فایده‌ای به ما می‌رساند؛ ابتدا این چیزها را در نظر نگیرند. البته هر کاری هم که آنها بکنند، مردم باید چشمشان باز باشد؛ خودشان واقعاً بشناسند و بفهمند که چه کار می‌کنند.

مسئولان امور انتخابات، اعم از مسؤولان اجرایی که وزارت کشور است و شورایی نگهبان که کار نظارت را به عهده دارد، وظایف سنگینی دارند. اندک اختلالی در این کار عظیم، حقیقتاً یک گناه و یک جرم است. مبدا بگذارید در این امر مهم، کوچکترین اختلالی به وجود آید. در این خصوص، من دو سه مطلب را یادداشت کرده‌ام که به آقایان عرض می‌کنم:

اولاً - همان‌طور که همیشه گفته‌ایم - در امر نظارت باید قانون و موازین ملاک و معیار باشد و نه مذاقها و سلیقه شخصی. مطلقاً دنبال مذاق شخصی نروید و این‌طور نباشد که یک وقت انسان خودش تشخیص دهد که اگر این فرد در مجلس نباشد، برای مجلس خسارتی است؛ اگر این شخص باشد، برای مجلس فایده‌ای دارد؛ آن‌گاه برخلاف موازین و مقررات، این مذاق اعمال شود. باید کاری کنید که بتوانید پیش خدای متعال و بندگان او جوابگو باشید. اگر از شما سؤال شد که به چه مناسبت این شخص را رد کردید، شما بگویید: پروردگارا! من ملزم بودم طبق مقررات عمل کنم. مقررات چنین گفت، من هم این شخص را رد کردم؛ یا مقررات چنین گفت، من این شخص را تأیید کردم؛ اما این که من این‌گونه تشخیص دادم، من این‌گونه فهمیدم، من این آدم را مضر دانستم، من این آدم را مفید دانستم؛ اینها قابل قبول نیست. اینها را نه خدای متعال قبول خواهد کرد، نه بندگان خدا. باید طبق موازین و مقررات عمل کنید. هیچ‌گونه ملاحظه‌ای نباید مانع از اعمال مقررات شود.

نکته دوم این است که اگر شورایی نگهبان در این قضیه به یک نتیجه منطبق بر قانون و مقررات رسید، باید با قاطعیت اقدام کند. هیچ چیزی نباید مانع از اقدام قاطع قانونی شود. در همه امور، بخصوص در چنین اموری که با افکار و عواطف و احساسات و عقاید و آراء گوناگونی مواجه است، قاطعیت چیز لازمی است. نکته سوم این است که شورایی نگهبان نقطه تضمین و تأمین برای نظام اسلامی است. این امر بسیار مهمی است. من در دوره قبل نسبت به اهمیت کار شورایی محترم نگهبان تذکر دادم؛ حالا هم لازم است مجدداً این را عرض کنم. شورایی نگهبان در مجموعه تشکیلات نظام جمهوری اسلامی، مثل بقیه دستگاهها نیست که بگوییم ارگانها و تشکیلات مختلفی هستند؛ بعضی مهم‌ترند، بعضی کم‌اهمیت‌ترند؛ این هم یکی از آنها؛ نه. شورایی نگهبان مثل بعضی از پدیده‌های یک نظام - مانند قانون اساسی - وضع ویژه‌ای دارد. شورایی نگهبان تشکیلاتی است که اگر خوب باشد و درست کار کند، این نظام دیگر خطر انحراف از دین نخواهد داشت. این چیز کمی نیست. این چیز قابل مقایسه‌ای با چیزهای دیگر نیست. ببینید از مشروطه تا پیروزی انقلاب اسلامی بر اثر انحراف از موازین دینی چقدر ضرر کردیم! دهها سال این کشور خسارت دید؛ به خاطر این که از اصول دینی انحراف حاصل شد. با این که اساس مشروطیت بر پایه دین بنا شده بود؛ اما رعایت نشد و آن قضیه طراز اول مورد توجه قرار نگرفت. بعد هم با دین مخالفت شد و پدیده‌های دینی آن نظام از بین رفت؛ اما غیردینی‌هایش تقویت گردید و آن چیزی شد که شما دیدید یک کشور و یک ملت چه خسارتی را در طول این چند ده سال دوران مشروطه تا پیروزی انقلاب اسلامی متحمل شد. یکی از بزرگترین خسارتهایش حکومت خاندان پهلوی بود؛ تسلط آن دیکتاتوری عجیب و حقیقتاً کم‌نظیر در تاریخ. شما این را بدانید که وقتی یک نظام، تضمین بقا بر روال دینی نداشته باشد، این چیزها در انتظارش است.

شورایی نگهبان مانع این است که نظام اسلامی از خط دین و اسلام و همچنین از خط قانون اساسی - که این در درجه دوم اهمیت است؛ اما این هم خیلی اهمیت دارد - منحرف شود. قانون اساسی ستون فقرات نظام است؛ در حقیقت مرکز اصلی سلسله اعصاب نظام است؛ معیار و ضابطه است و شورایی نگهبان نمی‌گذارد که دستگاه‌های کشور از قانون اساسی منحرف شوند؛ نمی‌گذارد که قوانین مخالف قانون اساسی، تصویب و اجرا شود. چنین

دستگاهی که این همه اهمیت دارد، باید ابهت و اقتدار و تکریم و حرمتش حفظ شود. هم خود آقایان محترمی که در این شورا و یا منتسب به این شورا هستند - مثل شما آقایان - بایستی این ابهت و احترام و حرمت را حفظ کنند، هم دیگران که در بیرون شورا هستند. مبدا خدای نکرده کسی از هیأت‌های نظار در گوشه ای از کشور کاری کند که دهان بدخواهی را باز کند و احترام شورای نگهبان هتک شود؛ یا در بیان مطالب طوری حرف زده شود که احیاناً کسانی به عنوان اعتراض - نه از سر خیرخواهی - حرمت شورای نگهبان را هتک کنند. کسانی هم که در بیرون این مجموعه هستند، همین طور باید رعایت کنند. آنهایی که قلمی به دستشان هست، تریبونی در اختیارشان هست، بفهمند که اعتراض کردن، بی احترامی کردن و هتک حرمت شورای نگهبان، خطای کوچکی نیست. قابل قبول و قابل تحمل نیست.

البته وظیفه شورای نگهبان خیلی سنگین است. این وظیفه را باید در حدّ مقدور با کمال دقت و با رعایت حداکثر عدل و انصاف انجام دهد و بر کار نظار نظارت کند. آنچه که آقایان نظار انجام می دهند، به نام شورای نگهبان تمام می شود و از لحاظ مسؤولیت الهی هم علی الظاهر با مسؤولیت بزرگواران این مجموعه انجام خواهد شد. این باید موجب شود که دقت و توجه را مضاعف کنید.

نکته دیگر، حفظ احترام و آبروی اشخاص است. اگر کسانی در پرونده هایشان مشکلی دیده شد که بنا شد به مجلس نروند، مشکل آنها بازگو و پخش نگردد و هتک حرمت آنها نشود. البته ممکن است بعضی کسان بگویند فلان کس را که رد کرده اید، باید علت آن را صریحاً بگویید. اگر مطلبی گفتنی است، اشکالی ندارد آن را بگویید؛ اما اگر مطلبی ناگفتنی است، نباید آبروی اشخاص با این حرفها برود و بیان شود. چون به ما این طور گفته اند و فشار آورده اند، پس ما آبروی این آدمها را ببریم؛ نه. در اسلام حرمت مؤمن خیلی اهمیت دارد و نباید هتک حرمت شود. نکته آخری که می خواهم عرض کنم، این است که اگر در معیارهایی که نسبت به نمایندگی مجلس وجود دارد، واقعاً دقت شود، همین هم از آب در می آید. باید مراقب بود که آدمهای اهل سوء استفاده و بی اعتقاد به رسالت انقلابی و مسؤولیت نمایندگی و کسانی که می خواهند وارد مجلس شوند فقط برای این که سوء استفاده ای بکنند یا خدای نکرده خرابکاری ای انجام دهند، وارد مجلس نشوند. باید دقت کنید مجموع شرایطی که گذاشته شده است، همین نتیجه را بدهد.

البته بعضی وقتها ممکن است در کسی نقطه ضعفی هم باشد؛ اما لزومی ندارد که انسان هرچیز کوچکی را در اشخاص ببیند و آن را بزرگ کند. مثلاً فلان کس در فلان جا یک وقت حرفی را بر زبان جاری کرده است؛ یا مثلاً قبلاً این طور بود - بحمدالله حالا کمتر دیده می شود - که تا کسی مختصر حرکتی انجام می داد که برخلاف مذاق بعضی بود، فوراً او را به «ضدیت با ولایت فقیه» متهم می کردند! نه؛ این طور نیست که حالا هر کس یک کلمه حرفی زد، ضد ولایت فقیه محسوب شود. امروز مردم این کشور قانون اساسی و اساس ولایت فقیه را به عنوان یک اصل مهم، بلکه مهمترین اصل پذیرفته اند و زندگی می کنند. غرض؛ نمی شود افراد را به اندک چیزی متهم کرد. توجه به چیزهای کم اهمیت، تنگ نظری و دقت‌های بیخودی را باید کنار گذاشت. اساس قضیه همان چیزهایی است که واقعاً همه را می ترساند: آدم پول پرستی؛ آدم پیشکرده خوانین و اشرار منطقه ای، از فقد یا ضعف نظارت استفاده کند و وارد مجلس شود و بعد بخواهد برای آن گونه افراد کار و تلاش کند؛ یا مثلاً - آن طور که جناب آقای جنتی در نماز جمعه دیروز اظهار می کردند - در هنگام انتخابات به او پول بدهند تا وارد مجلس شود. اگر واقعاً این طور کسانی را شناختید، بی دریغ ردشان کنید. اگر دیدید کسانی هستند که برای این طور کارها به مردم پول می دهند یا دهن مردم را شیرین می کنند، بدانید که این آدمها، آدمهای نامناسبی هستند. وقتی معلوم می شود کسانی هستند که به خاطر امور مادی و در راه کسب متاع دنیوی می خواهند مسند باارزشی را که قانون برای مردم وضع می کند، غصب کنند، بایستی جلوشان گرفته شود. معیارها هم ناظر به این است.

بنابراین عمده آنچه که در یک نماینده لازم است، اعتقاد به این نظام و اعتقاد به اسلام و انقلاب و سعی برای انجام یک مسؤولیت و تعهد است. البته اعتقاد به اسلام که می گوئیم، منظور این نیست که غیرمسلمانها نمی توانند بیایند؛ خیر. اقلیتهای مذهبی هم طبق همان موازینی که وجود دارد، می توانند بیایند، ملاک عمده برای کسانی که



می خواهند به مجلس بیایند ؛ این است ؛ که اگر این در کسی وجود داشت، بقیه چیزها را می شود واقعاً با اغماض نگاه کرد. مگر امری باشد که خلاف قانون است.

به هر حال امیدواریم خداوند به شما کمک کند ؛ هم در مقام معرفت و شناخت و هدایت در امور لازم، هم در مقام عمل و اجرا، که قوت در اجرا چیز مهمی است و کمک الهی را لازم دارد. انتخاباتی که در پیش داریم، ان شاء الله خوب، نظیف، نزیه و پاکیزه - مثل دوره های قبل - انجام گیرد و نمایندگان خوب و منتخبان واقعی مردم بتوانند به مجلس شورای اسلامی راه پیدا کنند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته